این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.

سبوی دوست

هرکس گرفتار است، گرفتار یار است

حاج اسماعیل دولابی(ره):
هر وقت تو زندگیت مشکلی پیش آمد و راه بندان شد بدان خدا کرده است، زود برو با او خلوت کن و بگو با من چه کار داشتی که راهم را بستی؟ هرکس گرفتار است، در واقع گرفتار یار است. هرچه غیر خداست را از دل بیرون کن. در الّا تشدید را محکم ادا کن، تا اگر چیزی باقی مانده است، از ریشه کنده و وجودت پاک شود. آن‌گاه الله را بگو تا همه دلت را تصرف کند. زیارتت، نمازت، ذکرت و عبادتت را تا زیارت بعد، نماز بعد، ذکر بعد و عبادت بعد حفظ کن، کار بد، حرف بد، دعوا و جدال و... نکن و آن را سالم به بعدی برسان، اگر این کار را بکنی، دائمی می‌شود، دائم در زیارت و نماز و ذکر خواهی بود.
منبع: کانال تلگرامی «نشرِ بیانات و دستورالعمل‌های علمای اسلام»

انسان «معتدل» باشیم!

کانال رسمی «بنیاد شهید مطهری» در تلگرام، بخشی از فرمایشات استاد شهید را به استناد صفحه ۵۰ کتاب «انسان کامل» به اشتراک گذاشت. استاد می‌فرمایند: «اشتباه نکنیم که فقط یک ارزش را بگیریم و ارزش‌های دیگر را فراموش کنیم. ما نمی‌توانیم در همه ارزش‌ها قهرمان باشیم، ولی در حدی که می‌توانیم، همه ارزش‌ها را با یکدیگر داشته باشیم. اگر انسان کامل نیستیم، بالاخره یک انسان متعادل باشیم. آن وقت است که ما به صورت یک مسلمان واقعی در همه میدان‌ها درمی‌آییم.»

مهم‌تر از بعد فنی خرابکاری در نطنز

سیدیاسر جبرائیلی توئیت کرد: بعد فنی خرابکاری اخیر در نطنز مهم است اما تمام مسئله نیست. این اتفاق را باید از منظر رسانه و افکارعمومی نیز مورد بررسی قرار داد. چند وقتی است که ایجاد حس بی‌اعتمادی نسبت به برنامه هسته‌ای ایران و خدشه در صداقت، ایمنی و فایده آن در قالب اقدامات ترکیبی زنجیره‌ای در حال پیگیری است.

اتحاد؛ رمز گمشده پیروزی

محبوبه نیاورانی در توئیتر نوشت: به خبر مهم دیروز توجه کردید، عقب‌نشینی اسرائیل از طرح الحاق کرانه باختری. اما علت این عقب‌نشینی نه سلاح بود نه دلار؛ اتحاد بود، اتحاد میان فتح و حماس که از هر سلاحی برای گنبد آهنین خطرناک‌تر است؛ اتحادی که رمز گمشده پیروزی در کشورهای اسلامی است.

موج تبدیل شبه پول به پول راه می‌افتد؟

مجید شاکری، اقتصاددان در توئیتر نوشت: اگر بازده غیرعادی بازار بورس کنترل نشود (که نشده) و بازده بورس ملاک بازده مورد انتظار سرمایه‌گذار شود (که شده) هیچ چیز جلودار موج تبدیل شبه پول به پول نخواهد بود.

اعتراض کاربران شبکه‌های اجتماعی به تبصره ماده ۱۲۲ طرح شفافیت در مجلس

بی‌کم‌وکاست به شفافیت رأی بدهید

سرانجام در هفته جاری بناست طرح شفافیت آرای نمایندگان به رأی گذاشته شود. کاربران شبکه‌های اجتماعی اما ضمن تقدیر از این طرح و تشویق به تصویب آن به تبصره ذیل ماده ۱۲۲ این طرح اعتراض دارند. آنها معتقدند این تبصره در واقع راه گریزی برای فرار از شفافیت آرای نمایندگان در طرح‌های اساسی و حساس است. در این تبصره آمده است: «در مواردی که حداقل ۱۵ نفر از نمایندگان درخواست رأی‌گیری مخفی با ورقه دهند، ابتدا بدون بحث نسبت به درخواست رأی‌گیری می‌شود و در صورت تصویب، در اصل موضوع مورد درخواست رأی‌گیری مخفی با ورقه انجام خواهد شد.» کاربران شبکه‌های اجتماعی در مخالفت خود به بخشی از بیانات رهبر انقلاب در خصوص شفافیت اشاره دارند. رهبر انقلاب در سخنرانی ۲۳ مهر ۹۷ می‌فرمایند: «مسئولان جز در موارد نظامی، امنیتی و اموری که با دشمن مقابله داریم، باید شفاف باشند و هیچ رازی را از مردم پنهان نکنند.» کاربران در راستای این مطالبه یک‌شنبه ساعت ۲۱ با هشتگ #شفافیت-بدون-راه‌فرار طوفانی توئیتری به راه انداختند و این هشتگ را به ترند اول توئیتر تبدیل کردند. در ادامه منتخبی از دهها هزار توئیت کاربران با این هشتگ را می‌خوانید.

■ **علی خیبری:**
سؤال: مشکل ماده ۱۲۲ و امثالهم چیه؟
پاسخ: حتی اگر اکثر نمایندگان این مجلس منصفانه عمل کنند و از این راه فرارها استفاده نکنند، چه تضمینی هست در این مجلس و دوره‌های بعدی، افرادی سوءاستفاده نکنند؟

■ **حامد ابازی:**
جز مسائل امنیتی و جنگی، همه چیز باید در مجلس شفاف باشد. هر طرح و بندی که دایره شفافیت را از این کوچک‌تر کند به هیچ وجه قابل قبول نیست.

■ **محمد عبداللهی:**
طبق تبصره ماده ۱۲۲ طرح شفافیت آرای نمایندگان اگر ۱۵ نماینده درخواست رأی‌گیری مخفی کنند، رأی‌گیری مخفی خواهد بود. بسیار هم عالی؛ قطعاً این مانع بن‌بست خواهد شد. فقط خواهشاً یک تبصره به این تبصره بزنید تا نام درخواست‌کننده‌ها شفاف و علنی پیش از رأی‌گیری اعلام شود.

■ **محسن عیار:**
ترسناک‌ترین بخش صحبت رائفی‌پور با امیرآبادی جایی بود که رائفی‌پور پرسید اگر شفافیت با تبصره تصویب شود چه تضمینی وجود دارد که نمایندگان دائم از آن استفاده نکنند؟ و ایشان گفت: هیچ!

■ **س. موسوی:**
از مردم خواستید بی‌کم‌وکاست به همه لیست رأی بدهند. حالا مردم می‌خواهند بی‌کم‌وکاست به شفافیت رأی بدهید.

■ **اکانت اندیشکده «شفافیت برای ایران»:**
اگر پرسیدند منظورتان از شفافیت نمایندگان چیست؟ بگویید تعداد زیادی شاخص از جمله شفافیت اموال، شفافیت توصیه‌نامه‌ها، شفافیت آرا و شفافیت مشروح مذاکرات صحن علنی و کمیسیون‌ها. راستی به این موضوع هم دقت کنیم که حضور خبرنگار صداوسیما در کمیسیون شفافیت محسوب نمی‌شود! شفافیت بدون راه فرار.

■ **جواد محمدزاده:**
نمایندگان محترمی که مردم با امید بهتر شدن کشورشون بهتون رأی دادن و حالا مجلس نشین شدید به لطف اعتمادشون خواسته و دغدغه همون مردم رو بشنوید؛ خواسته مردم شفافیت بدون راه فرار هست. بسم‌الله.

■ **فاطمه شکری:**
آقا و خانم نماینده که با وعده شفافیت رأی گرفتی و نشستی روی صندلی سبز مجلس. همین مردم شفافیت بدون ماده ۱۲۲ را قبول دارند نه آن راه درروبی که بهش اضافه کردید. اگر طرح شفافیت بدون راه فرار رأی نیاورد هر کار دیگری هم انجام دهید قابل قبول نیست.

■ **فهیم قفرانی:**
آقایان نماینده نباید می‌گذاشتند کار به اینجا برسد که ما طوفان توئیتری راه بیندازیم. کاش همان‌طوری که مردم را به اسم انقلابی بودن امیدوار کردید پیش می‌رفتید ولی الان هم دیر نشده ما منتظر تصویب قانون شفافیت بدون راه فرار که شفافیت بدون ماده ۱۲۲ است، هستیم.

■ **علی جعفری:**
شفافیت یعنی شناختن تاجگردون‌ها قبل از تاجگردون شدن! شفافیت یعنی شناختن مجلسی که در انتخابات بعدی دو سوم آنها رد می‌شوند! شفافیت یعنی آشکار شدن انگیزه برخی کاندیداها در خرج‌های میلیاردی قبل انتخابات! شفافیت یعنی شناختن فاسد! لطفاً شفافیت بدون ماده ۱۲۲ را تصویب کنید.

تحلیل

عقب‌نشینی یا گذار تمدنی؟

با تعطیلی اجباری قصه نفت باید تمدن ایرانی- اسلامی را بر محمل اقتصادی و فرهنگی جدید بنشانیم

عیسی منصوری در کانال تلگرامی «کیمیای توسعه» نوشت:
۱- در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان اقتصاد در تمدن غربی را با تفوق آن در حوزه مالی و IT، تمدن ژاپنی را با قدرت برتر شرکت‌های جهانی‌اش و تمدن چینی را با نقش آن به عنوان کارخانه جهانی وصف کرد. به همین ترتیب، تمدن بودایی را با توریسم، تمدن آفریقایی را با تأمین مواد خام و نهایتاً نقش اقتصادی محدوده تفوق تمدن اسلامی را با تأمین نفت توصیف کرد. این یعنی دو تمدن اخیر کمترین تأثیرگذاری را در راهبری اقتصاد جهان دارند. سهم صنعت استخراج و تولید نفت از اقتصاد جهانی در سال ۲۰۱۹ حدود ۳/۸ درصد بوده است. صنایع دنیا را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد؛ تولیدکننده- محور و خریدار- محور. در صنایع با تکنولوژی بالا (تولیدکننده- محور) حتی نوع و الگوی مصرف را تولیدکنندگان تعیین می‌کنند، مانند صنعت موبایل هوشمند. اما در صنایع خریدار- محور مانند صنعت نساجی سلیقه مصرف‌کننده جهت‌گیری تولید را تعیین می‌کند. قدرت در دست کسانی است که به مصرف‌کننده نهایی محصولات فرآوری شده نزدیک‌ترند. بدین ترتیب، حتی در صنعت نفت نیز قدرت اصلی در اختیار کشورهای حوزه تمدنی تولیدکننده نفت خام نیست. در صنعت نساجی، فرهنگ و الگوی پوشش را تولیدکنندگان نهایی پوشاک جهت می‌دهند. در واقع پوشاک محمل و حامل فرهنگ مصرف نیز است. حوزه تمدنی وابسته به نفت، حامل‌های فرهنگ مطلوب خود را تولید نمی‌کند به همین دلیل نیز با مصرف‌کننده نهایی محصولات تولیدی خود ارتباطی برقرار نمی‌کند؛ نتیجه آن که در فرآیندی پیچیده و بلندمدت، منظومه‌های فرهنگی (اغلب غربی) تولیدکنندگان محصولات نهایی از نفت، در حوزه تمدنی اسلامی غالب می‌شود. این یعنی با واگذاری بازارهای محصولات پرارزش حامل فرهنگ به نمایندگان تمدن‌های دیگر، نمی‌توان همچنان حفظ دست بالا را حتی در کشورهایی مانند افغانستان، سوریه، لبنان، عراق و... انتظار داشت. تحریم و کرونا سهم نفت را در اقتصاد کشور به حداقل رسانده‌اند. فضای اقتصادی- اجتماعی کشور آبستن بد و خوب بسیاری است. آیا می‌توان با فرصت‌سازی، مسیری متفاوت برای تولید منظومه‌های اقتصادی جدید پیش‌روی کشور گذارد؟ آنگاه که تمدن ایرانی- اسلامی از بازی در میدان کوچک نفت خارج شود، ضعیف بودن عربستان به عنوان یک رقیب و خفیف بودن سهم‌خواهی‌ها و دعواهای متعارف سیاسی داخلی به خوبی روشن خواهد شد. مهم‌تر آن که قاعده بازی قدرت‌های جهانی با ایران نیز عوض خواهد شد. موضع این تمدن در تعامل و گفت‌وگو با تمدن‌های دیگر، برتر و برابر نیست. ایران نفتی در راه ابریشم جدید (One Road, One Belt) چه نقشی می‌تواند ایفا کند؟

۲- ماکس وبر دلیل شکل‌گیری و پیشرفت سرمایه‌داری در شمال اروپا را وجود اخلاق پروتستانی و به طور خاص کالونیسم می‌دانست. دینداری در کالونیسم، متضمن سختکوشی و به‌کارگیری ثروت در راه تولید و رفاه بود؛ تولید ثروت می‌تواند نشانگر فیض و رحمت الهی در این دنیا و رستگاری اخروی فرد باشد. یکی از صاحبنظران حوزه روانشناسی و توسعه به نام مک‌لِلَند این ایده را مطرح می‌کند که همانند شمال اروپای مورد نظر وبر، سایر مناطق جهان نیز در صورت داشتن «انگیزش پیشرفت (Need for Achievement)» می‌توانند پیشرفت و توسعه اقتصادی را تجربه کنند. «بحران‌ها و حوادث آزاردهنده می‌توانند سبب از دست رفتن موقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی اشخاص و جوامع شده اما برای خود آنها و نسل بعدی آنها انگیزه تلاش و جهش در جامعه شوند. یکی از نمادهای وجود انگیزش پیشرفت در جامعه، میزان تمرکز بر کسب‌وکار و پیشرفت، در ادبیات عامیانه یک کشور در دوره‌های بروز و پس‌از بروز بحران است.»
تحلیل محتوای سخنان اشخاص مرجع، مستندات، محتوای وسایط ارتباط جمعی و به‌ویژه محتوای محاوره عامه مردم نشان می‌دهد به تعبیر مک‌للند، ادبیات کشور در حجم وسیعی به سمت تلاش و فعالیت اقتصادی میل کرده است. این روند، در مقایسه با دهه‌های ماقبل تحول قابل اعتنایی است که معمولاً به چشم نمی‌آید. بحران در اقتصاد تحت فشار تحریم، بی‌نفتی و کرونا می‌تواند مکملی کلیدی برای بهره‌برداری از این تحول باشد.
حال که به اجبار قصه نفت تعطیل شده است، آیا می‌توان به نشاندن تمدن ایرانی- اسلامی بر محمل اقتصادی و فرهنگی جدید، حتی با استخراج کمتر نفت و حفظ آن برای نسل‌های آتی! (جز در حوزه‌های مشترک و رقابتی) اندیشید؟ آیا فشارها، مشغله‌های روزمره و رفتارهای سیاسی گاهی کودکانه و پرایهام این روزها فرصت اندیشیدن و اقدام برای ورود به یک گذار تمدنی را خواهد داد؟ از این‌جا به بعد، هر باختی، یک عقب‌نشینی تمدنی است.

پاورقی «جوان» از «اتاق حوادث» جان بولتون
۱۰
ترجمه: محمدصادق عبداللهی

بولتون: ناکامی ایران در آزمایشات موشکی مقدمه پیشرفت است

بولتون در «اتاق حوادث» بارها از تعجب ترامپ و ابراز ناراحتی او از عدم درخواست ایرانی‌ها برای مذاکره می‌گوید. از این حرف‌ها به وضوح می‌توان نیاز ترامپ به مذاکره با ایران را فهمید. جالب آنجاست که ترامپ همواره و در هر موضوعی تأکید دارد در مسیر تقابل با ایران در منطقه، همه هزینه‌ها را باید اعراب بپردازند. بولتون همچنین در خاطرات خود به نگرانی‌های امریکا از آزمایشات موشکی ایران اشاره دارد و اذعان می‌کند هر چند ناکامی ایران در آزمایشات موشکی خوشحال‌کننده است اما از آنجا که مقدمه پیروزی و پیشرفت خواهد بود، نگران‌کننده است. در ادامه، ترجمه صفحه ۳۴۳ «اتاق حوادث» که در برگیرنده این نکات است، تقدیم می‌گردد.

در جلسه منظم رصد اخبار و اطلاعات سیاسی که نزدیک ظهر برگزار می‌شد، ترامپ پرسید: «چرا ایرانی‌ها تن به مذاکره نمی‌دهند؟» او نمی‌خواست قبول کند که واقعاً ایرانی‌ها طالب این مذاکرات نیستند و همچنین پافشاری می‌کرد که من و پمپئو مانع به نتیجه رسیدن تلاش‌های ایرانی‌ها برای گفت‌وگو با او هستیم. تا آنجا که ما می‌دانستیم هیچ نشانه‌ای مبنی بر علاقه ایران به گفت‌وگو با ما نبود. ترامپ مصرتر از سابق تأکید داشت که کشورهای عرب تولیدکننده نفت باید هزینه هر آن کاری را که ما در حال انجام آن هستیم، متحمل شوند. پس از بحث بر سر خطراتی که نیروهای ما را در عراق تهدید می‌کنند، ترامپ بدون هیچ اشاره‌ای به افغانستان و عراق که در آنها هم حضور داشتیم از سوریه و لزوم خروج ما از این کشور صحبت کرد. ترامپ با بیان «به پمپئو زنگ بزنید و بگویید که بنغازی را به خاطر داشته باشد» جمع‌بندی کرد. از سوی دیگر، روشن بود که ترامپ همان‌گونه که بعداً برای شنهن توضیح دادم، به دنبال پاسخی محکم‌تر از «این به آن در» بود که در صورت کشته شدن امریکایی‌ها به رسانه‌ها بگوید.
یکی از پیشرفت‌های مهم و داخلی ایران، پیشرفت در قابلیت‌های موشک‌های بالستیک بود. آزمایش‌ها با شتاب در سال ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ در جریان بود. اگر چه تعدادی تست ناکام در مرحله پرتاب یا اندکی پس از پرتاب، داشتند. اگر چه ما از ناکامی‌ها خوشحال می‌شدیم اما من به خاطر دارم که دانشمندان امریکایی در دهه ۱۹۵۰ و دهه ۱۹۶۰ شرح می‌دادند که اگر امروز راکت‌های Jupiter-C و Vanguard به میزان ۹۰ درصد به موفقیت رسیده‌اند، این موفقیت همانقدر که مدیون تست‌های موفق و پرتاب‌های چشمگیر بود، مدیون شکست‌ها نیز است. بی‌شک اگر تست‌های موشکی ایران ادامه پیدا می‌کرد و پیشرفت محقق می‌شد، خطر ایران برای ما در منطقه و به‌زودی در جهان افزایش پیدا می‌کرد. اما این مسئله چندان مشکل نبود، اگر چه تلاش‌های بسیاری نیاز بود اما من می‌توانستم ترامپ را متقاعد کنم که بر راهی متمرکز گردد که مانع این پیشرفت‌ها شود. بعد از شکست ایران در آزمایش موشک سفیر، ترامپ در ۳۰ آگوست توئیت کرد: «ایالات متحده امریکا هیچ نقشی در حادثه فاجعه‌بار روی داده در جریان مراحل نهایی آماده‌سازی شلیک پرتابگر سفیر در سایت پرتاب شماره یک سمنان در ایران نداشته است. بهترین آرزوها را برای ایران دارم و برایشان در شناسایی جزئیات اتفاق روی‌داده در سایت شماره یک آرزوی موفقیت می‌کنم.» این ادبیات نسبت به مواضعی که تاکنون ترامپ داشت تعجب برانگیز بود هرچند بعداً گفت می‌خواستم سربه‌سر ایرانی‌ها بگذارم! یک استراتژی عالی!

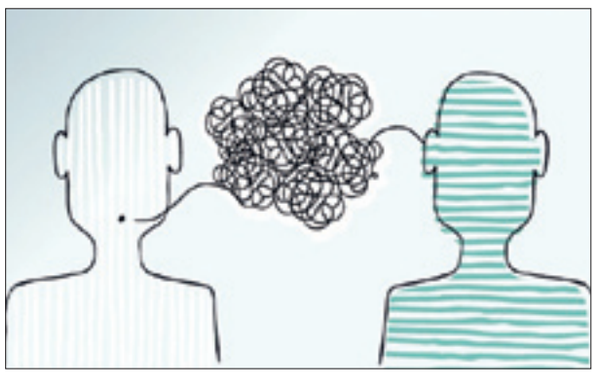

«شنیدن» جان پروریدن است

کانال تلگرامی «عرصه‌های ارتباطی» یادداشتی از وحید اقدسی، روزنامه‌نگار به اشتراک گذاشت. در این یادداشت می‌خوانیم:
چندی پیش در یکی از گروه‌های تلگرامی که اعضایش جملگی دانشگاهی و اهل کمالات و فضلند بحثی درباره یکی از اساتید شناخته‌شده دانشگاه درگرفت. اهمیت و حساسیت موضوع هم به گونه‌ای بود که فضا به سرعت دوقطبی شد. عده‌ای از در حمایت و برخی دیگر از در انتقاد وارد شدند و هر کدام نظراتشان را می‌نوشتند. رفته‌رفته بحث‌ها کمی تندتر شد، به‌نحوی که موضوع اصلی که آن استاد بود، نه‌تنها به حاشیه رفت، بلکه دعوای جدیدی شکل گرفت حول میزان سواد و مطالعه هر کدام از طرفین منازعه و اینکه کدام‌یک بیشتر می‌فهمند و کدام بیخود اسم و رسمی برای خود دست‌وپا کرده‌اند و دستشان خالی است و الخ. درحالی که بحث گُر گرفته بود، چندین نفر به‌طور همزمان مشغول تایپ بودند و نمی‌خواستند به اصطلاح از قافله جا بمانند. جواب‌ها یکی از یکی آتشین‌تر و تندتر، بدون آنکه فرصتی برای انعقاد کلام نفر قبلی داده شود. دیگر استدلالی در کار نبود. هرچه بود حمله به شخص بود و متهم کردن دیگری به اینکه تو فلانی و بهمان. این مجادله مجازی جز مشتی ادعا و فضل‌فروشی حاصل دیگری نداشت. بدون آنکه اصلاً در باب موضوع اصلی نتیجه‌ای حاصل شود. نظیر چنین رخدادی احتمالاً برای بسیاری تکرار شده است و چیز عجیب و غریبی هم نیست. بالاخره اختلاف‌نظر و سوءبرداشت و سوءتفاهم در یک فراگرد ارتباطی چندان غیرمنتظره نیست، اما آنچه محل تأمل و درنگ است، این بی‌تابی و کم‌طاقتی در شنیدن و تحمل صداهای مخالف است آن‌هم از جانب گروهی که اتفاقاً خودشان باید منادی و مروج گفت‌وگو و تساهل و تسامح باشند. آنها که در جای مهمی مثل دانشگاه صاحب کرسی‌اند و می‌توانند الگویی مبتنی بر گفت‌وگوی توأم با عقلانیت را پیش برند.
به موارد بسیاری برخورده‌ام که یک بحث و چالش علمی یا تخصصی به سرعت به سمت درگیری لفظی و توهین منتهی می‌شود. کافی است یکی ان‌قلتی وارد کند یا ندای مخالفی سر دهد، با واکنش تند طرف مقابل روبه‌رو و بعد هم مسیر بحث از موضوع اصلی خارج می‌شود. به نظرم شبکه‌های اجتماعی خدمات بزرگی به بشریت کرده‌اند؛ برای طرح نظر و عقاید فرصت‌های بیشتری خلق شده و بسیاری صاحب تریبون شده‌اند، آن‌قدر که دیگر هر کسی مختار و مجاز است صفحه‌ای برای خود داشته باشد و عقاید و نظراتش را در برابر دیدگاه همگان قرار دهد، اما در مقابل گویی همه دست‌اندرکار تولید شده‌ایم و باید به‌نحوی ابراز وجود کنیم تا مبادا فراموش شویم و از نظرها غایب بمانیم. اصلاً برای طرح ایده و حرفمان عجله داریم. مبادا وقت را از دست بدهیم. خیلی وقت‌ها نپخته و نسنجیده دست به کیبورد می‌شویم و چشم انتظار لایک‌ها می‌مانیم. انگار یادمان رفته است گاهی باید خاموش و ساکت بمانیم و فقط بشنویم. همانقدر که به لطف این شبکه‌ها و رسانه‌ها تنوع و تکثر دیدگاه‌ها گسترش یافته و جریان‌های یکسویه ارتباطی، صورت تعاملی‌تری به خود گرفته‌اند، ما هم به همان نسبت باید سینه را فراخ‌تر و جا را برای پذیرش دیدگاه‌ها و نظرات رقیب بازتر کنیم. چه‌بسا بسیاری از اوقات، رهاورد و بهره بیشتری از این شنیدن نصیبمان شود. این شبکه‌های اجتماعی آدم را وسوسه می‌کنند به گفتن و ابراز وجود کردن و نشان دادن. گاهی باید مقاومت کرد و سکوت را برگزید. شاید بهتر باشد ابتدا شنونده باشیم و این البته نیازمند تمرین است. شنیدن هم خودش صلاحیت می‌خواهد و اهلیت. به قول شمس تبریزی «هنوز ما را اهلیت گفت نیست» کاشکی «اهلیت شنودن بودی». «گفتن جان کندن است، شنیدن جان پروریدن، عرصه سخن بس تنگ است، عرصه معنی بس فراخ، از عرصه سخن پیشتر آ، تا فراخی ببینی و عرصه‌بینی».